هو العلیم

کیفیت و آداب عزاداری سید و سالار شهیدان حضرت أباعبدالله الحسین علیه السلام

برگرفته از «جلسات شرح حدیث عنوان بصری»
حضرت آیت‌الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی
قدّس الله سرّه

بسم الله الرحمن الرحيم

نيت افراد از شركت در مجالس سيدالشهداء

در ايام محرم و صفر بطور كلي دأب و ديدَن عرفاي الهي و عرفاء باللهَ و اولياء الهي نه بر بزرگداشت اين مسالهٔ محرم و صفر و نه بر احياء شعائر بوده، بلكه نظر عرفاء الهي بر مساله سيدالشهداء نظر، نظرِ غنيمت بود! يعني چي؟ يعني همانطوري كه در ماه رجب خدا سفرهاي را گسترده، در ماه رمضان سفرهاي را گسترده و دعوت كرده، اين قضيهٔ سيدالشهداء هم يك مسالهاي بود كه بايد افراد بيايند و بقاپند و توشهٔ خودشان را بگيرند و آن تحول و دگرگوني كه در اوقات عادي براي انسان پيدا نميشود در اين زمان آن را بدست بياورند، خيلي عجيب است! اين قضيهٔ سيدالشهداء مسالهٔ عاديي نيست و به عنوان يك كار روزمره و عادت و مثلا احياء شعائر انسان نبايد به آن نگاه كند، بايد خودش را در اين قضيهٔ عاشورا بياندازد، بايد خودش را در اين مساله قرار بدهد، آن مقداري كه ميتواند، هر چقدر فكرش ميرسد، هر چقدر از نظر باطني ميتواند در اين مساله مايه بگذارد، به عنوان اينكه در روضهٔ سيدالشهداء شركت كنم ثواب ببرم نرويم! ثواب به ما ميدهند ولي كم ميدهند! بعنوان اينكه بالاخره اين شعائر حفظ بشود به اين منوال نرويم! خوب است ولي مال عوام است! به اين عنوان كه در اين مجلس امام حسين عليه السلام حال آدم عوض ميشود و حال و هوا فرق ميكند نرويم! بلكه به اين عنوان برويم كه ما در اين مجلس ميخواهيم خودمان را در كنار سيدالشهداء قرار بدهيم، اصلا ما ميخواهيم بشويم جزو آن افرادي كه آن شب، شب عاشورا ماندند زير خيمه!! ما خودمان با اين نيت برويم. نه با اين نيت كه يك مجلسي بپا كرديم! نه با اين نيت كه برويم ثواب ببريم! احياء شعائر بشود! همهٔ اين مطالب درست است، ائمه عليهمالسلام فرمودند: بايد ذكر ما حفظ بشود. ولي چطوري ذكر، حفظ می شود با تغيير حال تو ذكر ما حفظ ميشود، نه با داد و بيداد كردن.

وظائف شيعه درماه محرم و صفر

شيعيان بايد در ايام محرّم و صفر خود را عزادار نشان بدهند، در همهٔ منازل بايد وضعيت منزل را به نحوي دربياوريم كه مسئله محرّم مشخص بشود، ،و بايد آثار عزاء و آثار مصيبت اهل بيت مشخص باشد، در منزل شعائر سيدالشهداء را بايد به پا بداريم . زدن سياهيها و پرچم سياه و كتيبههاي سياه، بايد باشد تا نشان بدهد كه شيعهٔ اميرالمؤمنين در اين ايام وضعيتش فرق ميكند نميگوييم تمام منزل را سياهپوش كنيد، كه بچهها بترسند، كه آن هم غلط است هر چيزي حدي دارد ولي به اين مقدار كه نشان بدهد كه اين مساله و موقعيت فرق ميكند و حال و هواي منزل هم تغيير خواهد كرد و سعي بشود كه از اشعار و اذكار و نوشتهها و بيانات خود سيدالشهداء باشد از رنگارنگی و رنگآميزي و... پرهيز كنيد، ، يك كتيبههايي هم اخيرا درآمده كه اصلا هيچ تناسبي با مصيبت و اينها ندارد هزارجور رنگ است، نه! اينها هم چندان لطفي ندارد و بلكه اصلا شايد خودش يك رادعی باشد و ذهن را متوجه خود كند، نه! خيلي ساده و خيلي تميز و مرتب باشد بايد از اول محرم كه ميشود تا آخر صفر ديگر آجيل و شيريني در منزل وجود نداشته باشد، اگر مهمان ميآيد فقط ميوه بياورند و اينها را براي بعد از ماه صفر قرار بدهند اگر هديهاي ميخواهيد ببريد اشكال ندارد، به ديدن رفيق ميخواهيد برويد هديه ببريد چه اشكال دارد ولی گز و شيريني و ساير اين چيزها بردن صحيح نيست.

شدت عشق و اتصال قلبی مرحوم علامهٔ طهرانی با اهل بيت عليهم السلام

يادم است يك روز در ايام شهادت حضرت صديقهٔ كبري سلام اللهَ عليها بود در مشهد يك نفر از افراد (البته از دوستان نبود باصطلاح از افراد بود) آمد براي ديدن مرحود والد در آنجا با خودش گز آورده بود اين طوري كه يادم هست و داده بود به يكي از دوستان كه درهمان بيرونی در منزل بود.

وقتي مرحوم آقا آمدند و گز را به ايشان دادند مرحوم آقا به همان شخص گفتند كه ببر جايي كه هست منزلي كه هست ببر و برگردان و بگو كه امروز روز شهادت حضرت زهرا بود و شما براي ما گز آورده ايد و من ديگر از شما هيچ هديه‌اي را قبول نخواهم كرد. البته شايد يك مسائل ديگري هم بوده است. خود ايشان هم توصيه مي‌كردند وقتي ايام محرم و صفر هست نبايد انسان اظهار شادي بكند برگزاري مجالس عقد اشكال ندارد عقد هميشه و در همه جا مطلوب است و به عنوان سنت پيامبر است حتي شب عاشورا هم انسان مي‌تواند عقد بخواند عقد خواندن خيلي هم ثواب دارد و مستحب است، منتهى حالا كه ايام شهادت امام حسين است عقد نبايد همراه با اين ظواهر ايام سرور باشد، گز و نقل اينها نبايد گذاشته بشود بجايش ميوه گذاشته بشود چه اشكالي دارد هيچ مسئله‌اي نيست و ايرادي ندارد شركت در مجالس عزا در ايام محرم و صفر بسيار بسيار تأكيد شده و بزرگان به اين مسئله خيلي تأكيد مي‌كردند و كلامي را كه ما از مرحوم آقا به ياد داريم در اين مسئله اين است كه سالك بدون توسل به سيدالشهدا به مقصد نخواهد رسيد. اين رعايت است و تمام كساني كه براي آنها فتح باب شده است از طريق توسل به سيدالشهدا بوده است.

در روضه امام حسين عليه السلام بايد با وضو وارد شده و تميز ترين لباسهاى خود را بپوشيم

بسيار محترم و بسيار معزز است كسي كه وارد مجلس روضهٔ امام حسين مي‌شود با وضو وارد بشود، بهترين لباس را بپوشد حمام برود و خود را تنظيف كند و با لباس تميز بيايد، نه لباسي كه موجب آزار و اذيت ديگران است بايد با لباس تميزي كه همان روز يا روز قبل آن لباس شسته شده است بايد بيايد و در روضه شركت كند .

تاثيرى كه در مجالس امام حسين عليه السلام در بين الطلوعين وجود دارد ،در زمانهاى ديگر بسيار كمتر است

در مجالس بهترين وقت در ايام عاشورا صبح است بين الطلوعين، مرحوم آقا هميشه مي‌فرمودند: آن فيضي كه در بين الطلوعين به عزاداران اهل بيت يا حتي به مجالس شادي و مجالس موالید اهل بيت، مي‌رسد در ساير اوقات نيست؛ كمتر است. و ما مقصودمان اين است كه ادراكِ در مجلس بيشتر باشد و چون بين الطلوعين بهترين اوقات است؛ اقتضاى شركت در مجالس اين است كه در بين الطلوعين باشد. در بعد از ظهر و در شب هم اشكال ندارد، ولى اين را رفقا بدانند آن تاثيري كه جلسات در بين‌الطلوعين دارد آن تاثير در اوقات ديگر كمتر است نمي‌گوييم نيست و نمي‌گويم كه در ساعات ديگر مثل شب يا عصر جلسه نباشد، نه، اشكال ندارد، جلسه باشد هيچ اشكالي ندارد و خب كساني ممكن است نتوانند صبح بروند شب يا عصري يك جلسه پيدا مي‌كنند مثلا تكيه‌اي در آنجا هست احساس خلوصي مي‌كنند بالاخره اسم سيدالشهداء است، مي‌روند. ولي مرحوم آقا مي‌فرمودند قدر جلسات صبح و بين‌الطلوعين را بدانيد آن تأثير در جلسه بين‌الطلوعين تاثيرش بسيار بسيار بالاتر است و خصوصا اينكه انسان متوجه بشود، رزقي را كه ملائكه در آن روز براي انسان رزق معنوي مي‌نويسند در بين الطلوعين است.

مرحوم آقاي حداد به ما مي‌فرمودند: كه روزي معنوي هر روز را ملائكه در بين‌الطلوعين مي‌نويسند، لذا وقتى مي‌گويند بين‌الطلوعين بيدار باشيد براي اين است. كسي كه بين‌الطلوعين خواب است آن روز رزق ندارد نماز مي‌خواند بدون رزق، قران هم اگر بخواند رزق ندارد، فايده‌اي ندارد مي‌شود خالي، ولي بين الطلوعين اگر بيدار باشد، بين الطلوعين متوجه باشد، نماز آن روزش فرق مي‌كند دعايش فرق مي‌كند، زيارتش فرق مي‌كند اينها همه چي؟ اينها همه تفاوتها هستند.

تاكيد بزرگان بر خواندن زيارت عاشورا در دهه اول محرم

من حالِ مرحوم والد و بزرگان را مي‌ديدم كه همين‌هايي كه نوشتند و مي‌گويند اين اولياء خدا ارتباطي با ائمه ندارند بيايند اين را از من بشنوند هر روز دههِ عاشورا مرحوم آقاي حداد به افراد

مي‌گفتند: كه بعد از نماز صبح زيارت عاشورا بخوانيد ، حالِ مرحوم حداد را كه من می ديدم در موقع نماز و در موقع تشهد، چون ايشان هر روز بعداز نماز صبح سورۀ ياسين را مي‌خواندند، بعد تعقيبات و سجاده‌شان را جمع مي‌كردند هر روز سورۀ ياسين را مي‌خواندند حالشان در موقع نماز و در موقع قرائت سورۀ ياسين يك جوري بود ولي وقتي كه زيارت عاشورا خوانده مي‌شد ما مي‌ديديم يك جور ديگر شده، ايشان خودش را واقعا در كربلا مي‌گذاشت، در آن واقعه قرار مي‌داد معلوم بود، از وَجَنات معلوم بود، نه اينكه فقط گريه بكند و ناراحتي و... مرحوم آقا در روح مجرد اين مسائل را ذكر كردند، ما احساس مي‌كرديم الان خودش را در كنار سيدالشهداء قرار داده و انگار دارد در حضور حضرت سيدالشهداء عليه السلام زيارت عاشورا خوانده مي‌شود.

مرحوم آقا مي‌فرمودند كه: ما نه تنها اين مساله را در آن زمان احساس مي‌كرديم بلكه با مرحوم آقاي حداد مي‌رفتيم براي زيارت سيدالشهداء چند نفر بوديم، مي‌رفتيم زيارت، روزها هم مي‌رفتيم زيارت، وقتي كه مي‌رفتيم وارد حرم كه مي‌شديم ايشان به يكي از همان افرادي كه در آنجا بودند مي‌گفتند زيارت‌نامه بخوان ايشان مي‌گفتند وقتي كه او زيارت‌نامه مي‌خواند براي ما حالي دست مي‌داد كه اگر اشتباهاً در اِعراب، فتحه را ضمه مي‌خواند ما قادر بر اينكه درستش را بگوييم نداشتيم، يعني حالي براي ما پيدا مي‌شد كه غير از سيدالشهداء ديگر هيچ نبود، حقيقتي ديگر وجود نداشت!

سيد الشهداء عليه السلام در مجالس عزايی كه با اخلاص منعقد شده باشد حضور می‌يابند

اينجور بايد برويم به زيارت سيدالشهداء اينجور بايد باشيم، اين خيلي مساله مسالۀ بالايي است، اين كه من گفتم خدمتتان برويد در آن فكر كنيد، اينجور بايد در مجلس سيدالشهداء برويم، سيدالشهداء در مجالس عزايش حضور دارد، البته نه در آنجايي كه فقط شعبده‌بازيي و تظاهر است، نه! آنجا نه تنها پايش را نمي‌گذارد بلكه بيزار است از آن مسائل! آن مجلسي كه روي اخلاص باشد، آن مجلسی كه براي سيدالشهداء برپا بشود نه براي ريا و تظاهر! در مجلس ريا و تظاهر سيدالشهداء و حضرت ابوالفضل پايشان را نمي‌گذارند! ما بايد اول اخلاصمان را درست كنيم، صفاي خودمان را درست كنيم، خودمان را با اين وضعيت بسنجيم، با اين موقعيت بسنجيم، آن وقت (حضور امام را در مجلس احساس خواهيم كرد)

بجای داد و فريادزدن در مجالس امام حسين عليه السلام بياييم به مفاهيم رفيع عاشورا گوش دهيم وعمل كنيم

وقتي كه روضۀ سيدالشهداء گوش مي‌دهيم برويم در مغزش كه قضيه چيست ؟ آيا ما هم بوديم همين كار را مي‌كرديم؟ آيا اگر ما هم آنجا بوديم در همين وضعيت بوديم؟ يا اگر خودمان را در آن حدود نمي‌بينيم از حضرت تقاضا كنيم، درخواست كنيم، دعا كنيم، طلب كنيم، كه از ما دستگيري كند، دست ما را بگيرد، به جاي داد زدن! و بيداد زدن! و نعره‌كشيدن! به جاي آن به مفاهيم روضه‌اي كه گفته مي‌شود و مطالبي كه گفته مي‌شود گوش بدهيم! اگر گريه‌اي بر ما مي‌آيد گريه را بكنيم جلوي گريه را نگيريم، بايد گريه بشود ولي داد زدن چرا؟ فيلم بازي‌كردن چرا؟ مجلس را از آن حال و هوا انداختن چرا؟ امام صادق عليه‌السلام كه مي‌فرمايد خدايا به اين ناله‌ها و فريادهايي كه در عزاي مصيبت ماست رحم كن! نه فرياد تصنعي و تظاهر و نشان دادن به اين و آن! كه ببين من چقدر داد مي‌كشم! آن فريادي كه بي‌اختيار از دل برآيد! بله! خب آن چه اشكال دارد! آن ناله‌اي كه بي‌اختيار از دل دربيايد! نه! خودم داد بزنم كه سقف بيايد پائين! نه! آن فايده ندارد! آن حالِ مجلس را مي‌گيرد! صفاي مجلس را مي‌گيرد! روحانيت مجلس را مي‌گيرد و تبديل به يك تظاهر و يك صحنه مي‌كند!

ذكر اموری كه رعايت انها توسط افراد در مجالس عزاداری لازم می باشد

پس بنابراين روضۀ سيدالشهداء بايد روضۀ با فهم و با ادراك باشد اين جلسات روضه نبايد در آنها اختلاف باشد بعضي‌ها هستند در جلسات دو قسم می نشينند، يك عدۀ خاصی دور مجلس مي‌نشينند ، يك عده هم وسط، آنها بلند مي‌شوند سينه مي‌زنند اينها همينطوري نشسته اند، جلسۀ امام حسين

بايديكنواخت باشد، اگر همه هستند همهٔ افراد بيايند، چه اشكال دارد آنها هم پيش شما بنشينند، چه اشكال دارد همه يك جور بنشينند، مگر اينها خونشان فرق مي‌كند، اگر همه براي روضه بلند مي‌شوند، همه بايد بلند شوند، نه اينكه يك عده بلند شوند يك عده بنشينند، اين دو قسم كردن اهانت به مجلس سيدالشهداء است، اين صحيح نيست همه روي زمين بايد بنشينند يا همه بايد موقع سينه زدن بلند شوند و اگر كسي معمم است بيايد بنشيند، الان در همين جلسه كه ما داريم فضلا و بزرگان، اين را شما نگاه بكنيد اينها اينقدري كه در وسط اين مجلس نشسته اند، در دور ننشسته اند، مرحوم آقا مي‌فرمودند: فرق بين مجلس ما و مجلس بقيه اين است كه در اين مجلس بين معمم و غيرمعمم فرقي نيست، جا بود مي‌نشينند نبود وسط مي‌نشينند، ما با ايشان مي‌رفتيم در مجالس ختم يك دفعه خودم يادم است رفتيم مجلس ختم آقاي حكيم در بازار تهران همان مسجد جامع (نمي‌دانم) رفتيم در آنجا، وقتي كه وارد شديم جا نبود، ايشان رفتند وسط ما دو نفر معمم پدر و پسر رفتيم آن وسط نشستيم، يك نفر از آن آقايان هم نگفت بفرمائيد، ايشان نشستند و بعد هم بلند شديم رفتيم، درست شد؟ خب حالا بنده به من بربخورد!؟ حتما بايد بيايم كنار و بايستم و اينقدر صبر كنم تا اينكه جمع بشوند مچاله بشوند و براى ما جا باز كنند، اين حرفها را نداريم اينها چيست؟ اينها از حال آدم مي‌گيرد از آن نيت آدم مي‌گيرد، از آن مرتبه‌اي كه بايد در آن مرتبه باشد كم مي‌كند، مي‌آورد پائين تبديل به يك حركات ظاهر مي‌كند، تبديل به عادت مي‌كند و تبديل به يك حركات ظاهر و نمايشى می کند.

بلند کردن صدا در عزاداری ها حرام است و هیچ فرقی بین مسائل مذهبی و امور دنیوی در این موارد نیست

انسان از آنجایی که تابع احساسات است و از قوای ابدی خود کمتر بهره می گیرد در ارتباطات خود بیشتر توجه به احساسات دارد حتی در مورد عبادات و اطاعت از پروردگار بیشتر به دنبال امور احساسی می گردد می خواهد روضهٔ امام حسین برود، ذکر مصیبت سیدالشهدا را می خواهد گوش کند، در خیابان که حرکت می کنیم می بینیم هر هیئتی که بزرگتر است و چراغانی بیشتری دارد و صدای منبریَش و بلندگویش تا چند تا محله می رود که کار حرامی است در آن شرکت می کنیم، زیاد کردن صدای بلند گو حرام است در صورتی که در همسایگی انسان، مریضی باشد، بیماری باشد، افرادی باشد که اینها نمی توانند صدای بلند را تحمل کنند تاثیری بگذارد، دیگر فرقی نمی کند، چه برنامه چهار شنبه سوری (که این از یک فرهنگ یک قوم وحشی فقط می تواند نشات بگیرد و نه افراد مسلمانی که این همه رسول خدا راجع به رعایت مردم و حفظ امنیت روحی و روانی مردم و رعایت امور همسایگان و عدم ایذاء به همنوعان ما دستور داده اند،) فرقی نمی کند اگر در شب یک واعظی از بلندگوی مسجدش صدا را بلند کند به نحوی که موجب اذیت همسایگان بشود این حرام است حالا می خواهد در آن موسیقی زده بشود که حرام است یا می خواهد در آن اسم خدا و پیغمبر و امام باشد هر دو حرام است حرام، حرام است! مسجد، حسینیه اینها نباید موجب ایذاء دیگران بشود . صدا باید به میزان مناسب در محدودهٔ خود افراد حاضرین در آن مکان باشد زیبا باشد و از کیفیت بسیار خوب و بالا هر چه انسان می تواند بهره بگیرد ایراد ندارد. اذیت مردم، آزار مردم حتی به یک طفل شیر خوار که از سر و صدای یک بلندگوی مسجد و حسینیه از خواب بپرد به همان اندازه متصدیان عمل حرام انجام داده اند!

در عزاداری ها نباید به ظواهر و عناوین هیئات و وعاظ و مساجد اعتناء نمود بلکه اصل روح و خلوص حاکم بر آن مجلس است

درست شد خب حالا انسان چکار می کند انسان بلند می شود می رود هر جا که می بیند طُمطراقش بیشتر است چراغانیش بیشتر است پرچم بیشتر زده شده واعظ و خطیبی در آنجاست که خیلی مسلسل وار و پشت سر هم مطالب را شمرده شمرده و بلیغ می گوید در آن مجلس شرکت می کند. اما اگر برود یک جا ببیند که یک تکیه ای است (در همین ایام عاشورا ندیدید توی خیابانها تکیه درست می کنند) تکیهٔ کوچک و محقری است یک چند نفر نشسته اند یکی دارد صحبت می کند اصلا نگاهش هم نمی

کنید!!! وقتی ایام عاشورا آدم می آید برای نگاه کردن و مشارکت با عزاداری هر گروه و هیئت و دسته ای که از همه طولانی تر است و پرچم های بسیار دارد و با ابهت و جلال به خصوص و با زدن ساز و نی و طبل و از این حرفها که همه اینها حرام در حرام است و متاسفانه بین ما ایرانیان نصب شده است، همین علامتی که جلوی دسته ها حرکت می دهند این علامت علامت صلیب است، صلیب نصارا را ما آوردیم گذاشتیم در دستجات سیدالشهدا بدون اینکه اصلا خودمان متوجه بشویم و ببینیم که چکار داریم می کنیم این علامت ها مال رم و فرانسه بوده آنجا در جلوی دستجاتشان که برای جنگ حرکت می کردند جلوی لشگر یک همچنین علامتی را حرکت می دادند که همین کروات فعلی همان صلیب است منتها آن را قبلا به کمر می بستند حالا آن را به گردن آویزان می کنند لذا کروات به خاطر صلیب بودنش حرام است والا یک تکه پارچه که حلال و حرام ندارد این را در جلوی لشگر حرکت می دادند حالا ما همان را آوردیم جلوی دستهٔ سینه زنی امام حسین داریم حرکت می دهیم تمام اینها حرام است! زدن ساز و نی و طبل حرام است! موسیقی حرام است! بلند کردن صدا به نحوی که موجب اذیت و آزار همسایگان بشود حرام است! ما به خاطر یک امر مستحب هزار تا امر حرام را یکی پس از دیگری انجام می دهیم امام حسین هم عزت و شوکتش به این نیست که با این یال و کوپال و این مطالب ما برایش عزاداری کنیم

کیفیت بیرون آمدن دستجات عزاداری

دستجات باید بیرون بیایند ، سینه‌زني و زنجیر زدن اشکال ندارد، اینها بیایند یا اینکه اصلا نه سینه بزنند! نه زنجیر! حرکت بکنند و در اینجا شعارهايي بدهند و شعارهاي مُحيي بدهند، شعارهاي واقعي بدهند نه شعارهایی که اینها چندان معنا ندارد، نوحه‌هايي که خوانده مي‌شود، نوحه‌هایی باشد که هدف حضرت را بیان کند، مکتب حضرت را بخواهد بیان کند، زیر و رو کند انسان را، حال و هواي انسان را عوض بکند، اینها باید گفته بشود، نه اینکه زینب بي‌چادر آمد بیرون... این حرفها چیست؟ این نوحه‌ها چیست؟ نوحه‌هايي باید گفته بشود که آن شخصیت حضرت و مکتب حضرت و مرام حضرت، را بیان بکند و چه خوب است که آن کلماتي که از آن حضرت در تابلوها است همان‌ها تبدیل به نوحه بشود و تبدیل به شعار بشود. اگر انسان بخواهد در این تظاهرات به عزاداري سيدالشهداء در این مرتبه بماند، مانده و نیامده بالا، خودش را در آنجا قفل کرده خودش را در همان‌جا بسته، ولي اگر نه، این مطالب را کنار بگذارد، بداند که کلمات بزرگان و کلمات ائمه، مثل کلمات ما نیست، صحبت ائمه مثل صحبت ما نیست، آن از نفس قدسي تنازل پیدا کرده و در نفس امام قرار گرفته، آن صحبت را در اختیار ما گذاشته اند حالا همان را انسان بیاید تبدیل به شعار کند چقدر فرق است تا اینکه بیاید از جملات بیهوده و جملات در سطح پایین و بیشتر احساسي تا عقلاني و فهمي و ادراکي بیایید این مسائل را مطرح کند.

ذاکرین اهل بیت باید سخنان ،رفتار و ظرائف افعال امام حسین را بیان کنند نه اینکه تنها اکتفا کنند به بیان مصائب حضرت

آن کسي که ذاکر است باید برود آن حال و هواي سيدالشهداء را بگوید، صحبت‌هايي که در آن قضیه شده، نه فقط اینکه زخم خورد و افتاد زمین و... نه! این فایده ندارد، مطالبي که گفته شده، اطوار آن حضرت، رفتار آن حضرت، سخنان آن حضرت، ظرائفي که در اینجا وجود دارد، که پرداختن به آن یکي از (مهمترین عوامل) است که انسان را متوجه آن حال و هوا مي‌کند، و الّا تیر خورد و شمشیر خورد و افتاد، نهایتش این است دیگر! این که حالات حضرت چگونه بوده و چه وضعي داشته، این مساله مهم است.

خطیب و مداح نباید هر گونه تعابیری را در صحبت های خود بیان نمایند

بهتر است هر تعبیري را در صحبت‌هاي خودشان نیاورند، بعضی افراد در روضه تعبیرهايي دارند که شاید نفوس تحمل شنیدن آنرا نداشته باشند، بعضی از روایات براي خود (وعاظ و اهل علم) است که بدانند اما اینکه انسان بخواهد مصیبت را بیان بکند، شاید خیلي از افراد نتوانند تحمل چنین

سخنانی را بکنند. چون این واقعه يك قدري مصيبت كوبنده‌اي خواهد بود. آنچه را كه قابل گفتن است و آن جنبهٔ تيزي ندارد، بايد براي افراد بگويند.

بهتراست اهل علم عین مصیبت های وارده را از کتب مقاتل نقل کنند .در تبلیغ خودشان عین مقاتل را نقل کنند آنچه را که شنیده شده نقل نکنند خیلی از مطالبی را که در روضه‌ها در این طرف و آن طرف بدون اینکه به تاریخ مراجعه کنند نقل می کنند و مي‌خوانند یک عده جوان هم می پذیرند و طبعاً مسائل نادرست را می گویند که حرام است. اگر كاري را كه انجام نشده بگوييم حرام است! دروغ! دروغ است! فرقي نمي‌كند، آنچه را كه هست بايد گفت! نه اينكه به آن اضافه كنيم. اينهايي كه مي‌آيند با عبارتهاي زننده مقام و موقعيت امام (عليه السلام) را در حد یک انسان عادی می خواهند پایین بیاورند، اشعاري كه انتخاب مي‌كنند اشعار ركيک وسبكي است، اشعاري كه در مجالس عزاي افراد عادي می خوانند حضرت علي اكبر كه بيش از سي سال سن داشت و اینها که می گویند هجده ساله بود همه اش من درآري است و شعرهايي درآورده اند! حضرت علي اكبري كه مقام امامت دارد جوري در ميان مردم معرفي بكنند تا چند تا جوان خوششان بيايد كه اين هم يك آدمي بوده كه ... تمام ارزش آدم به جمال و زلف و اینها است!!؟ كه آدم مانند بقيهٔ اشعاري كه معشوقه های خود را تعریف و تمجید می کند حضرت را تمجيد كند پس چه فرقی هست؟ کجاست آن مقام ولایت حضرت علی اکبر که در اشعار بيان شود!!! آن مقام علم! آن مقام ولايت! طهارت! آن را برای افراد باید گفت به صرف این که مردم بیشتر گریه کنند و حالت حزن برایشان پیش آید (انسان مجاز برای گفتن هر مطلب بی ارزشی نیست)